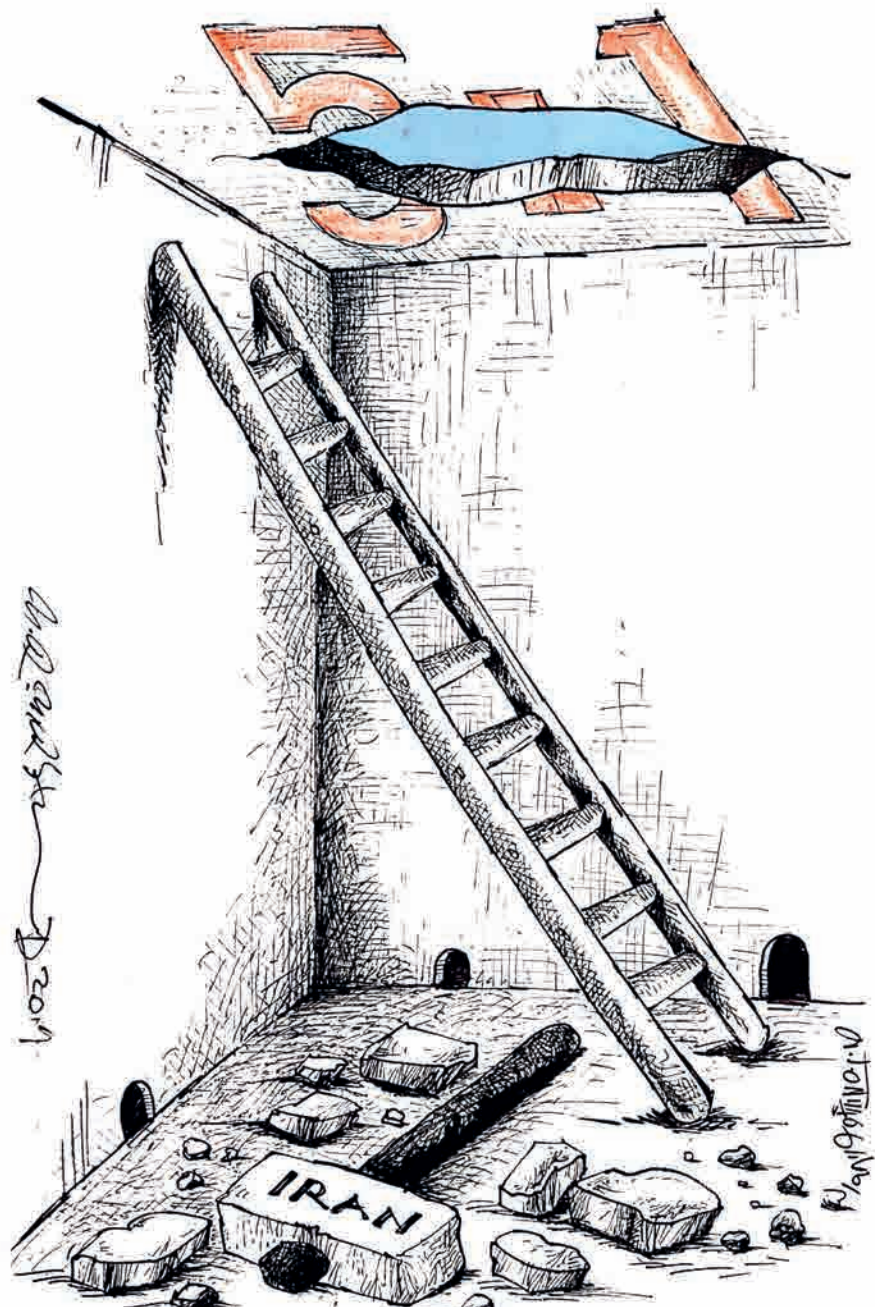


تماشاخانه

hotpen77@yahoo.com

کارتنیست

محمدرضا میرشاه‌ولد



شهر ونگ

توی دنیای پر از اندوه و جنگ
خنده کرد و داد پاسخ: «شهر ونگ»

پیر را گفتم: به ما شد عرصه تنگ
جز شکیبایی چه باشد راهکار؟

صفحه روزانه طنز و کارتونی | شماره نهصد و پانزدهم



یک نماینده ۱۱ سال است مسأله دکل‌های نفتی بدون نتیجه مانده است

دکل‌های نفتی: اگه هنوزم به یاد مون هستید لایک کنید!

◀ یک مسئول سابق: نتیجه رو ول کنید، مهم اینه که سالم اند!
◀ سایت فروش اینترنتی: دکل نفتی، در حد نو فقط چند باری غیب شدن و دوباره پیدا شدن!
◀ یکی از حروف الفبا: هر وقت من پول نفت رو پس دادم، اونام دکلش رو پس می‌دن!
◀ خاوری: حیف که خیلی بزرگ بودند و گر نه چند تاش رو می‌داشتیم تو ساک می‌آوردن کانا!
#کجارتی_دکل_نتیجه_این_که_دکل_بی_دکل_نوستالژی_دکلی_شهر ونگ

نخستین پیاده‌روی کامل از نانه در فضا به مدت ۷ ساعت انجام شد

زنان ایرانی: ما هم قراره سال دیگه دوباره واسه بازی تیم ملی بریم ورزشگاه!

◀ فدراسیون فوتبال: حیف که کهکشان خیلی بزرگه و گر نه فنس کشیش می‌کردیم، خیال همه را تحت باشه!
◀ یک فضایی نگران: بهتره از این به بعد کلامر دونه-زنونه اش کنید!
#کهکشان_را_زنونه_مردونه_نکنید_شهر ونگ

کوچه اول

| ارمغان زمان فشمی |



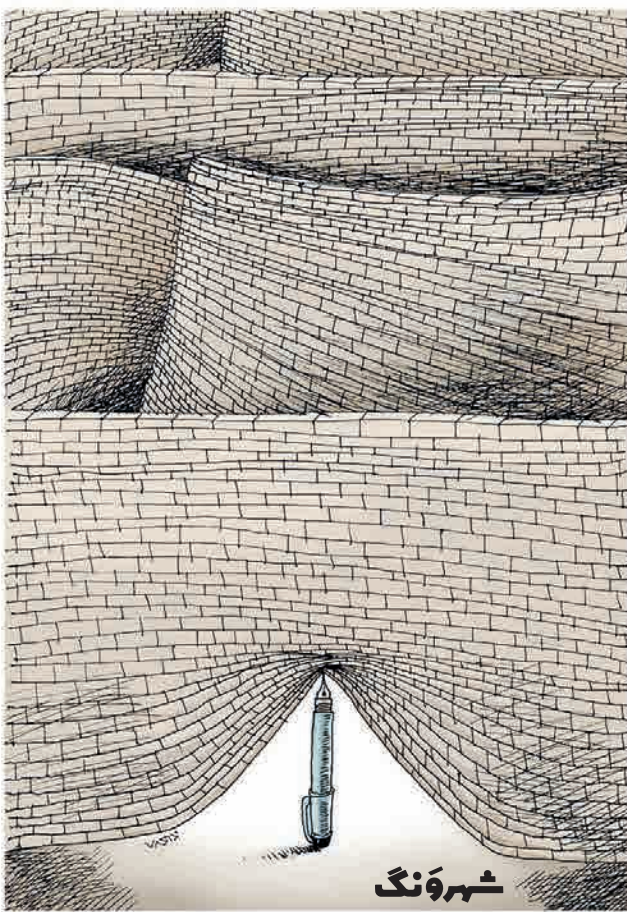
زمان کمشده

اول پاییز وقتی می‌رسید ساعتش را او عقب‌تر می‌کشید
پرسشش این بود تا شش ماه بعد: هست این ساعت قدیمی یا جدید؟



شهر ونگ

علیرضا ذاکری | کارتون‌نویست



شهر ونگ

شهر زیبا

گزارش میدانی از اکران خصوصی

نخیر عزیزم، ترکیبی می‌زنم می‌خورم، تیر آهن روس می‌زنم با پیلور پشمی می‌خورم، جدی؟ خب چرا دعوت شدید به این مراسم؟ خب فالوور زیاد دارم... البته قراره به فیلم هم از زندگیم ساخته بشه. خودم هم توش بازی می‌کنم، جدی می‌گید؟ می‌شه به عکس با هم بگیریم؟... آقا... چیکار می‌کنی؟... دستم رو ول کن... بابا فقط می‌خوام گوشیم رو از تو جیبم دربیارم... حمله تروریستی چیه؟... گردنم رو شکوندی...

خب دوستان ما توسط تیم حفاظت آقای ترکیبی از سالن به بیرون هدایت شدیم، ولی اشکالی نداره، من سس می‌کنم از همین جا برای شما مصاحبه‌ای رو آماده کنم، بهله، دوستی رو می‌بینم که لباس متفاوتی به تن داره، روی پیراهنش چند جای سوختگی به چشم میاد که احتمالاً از آخرین مدهای روز نیست... بهله، مدل موهاشون هم خیلی جذابه، اگه کسی ندونه که ایشون از بازیگران خوب کشورمون هستند؛ فکر می‌کنه که چند ماهی است که به حمام نرفته‌اند. اجازه بدید برم و مصاحبه‌ای با ایشون بگیرم.

سلام دوست عزیز، شما هم برای اکران خصوصی اومدید. سلام، بهله، ما همیشه اکران خوشی داریم، چند بار اکران عمومی کردیم که پلش جمع‌مون کرد. ای بابا، شاید فیلمتون موردی داشته. نه بابا چه موردی؟ من خودم همیشه از همون فیلم اکران می‌کردم، خیلی هم فیلمش بالاست. خب پس چرا تو سالن نیستی؟ این جا چیکار می‌کنید؟ ما تو سالن کار نمی‌کنیم، همین پشت این شمشادها اکران می‌کنیم. دوش داری بیا جمع بیریشت. جدی می‌تونم پیام؟ خیلی ممنون از لطفتون. دوستان همون طور که شنیدید این دوست هنرمندمون من رویه اکران خصوصی فیلمش که پشت شمشادها اکران می‌شه، دعوت کرده. من واقعا خوشحالم و هیچ وقت فکرش رو نمی‌کردم که به روز به چنین مراسمی دعوت بشم. همین جا با شما خداحافظی می‌کنم. تا اکرانی دیگه بدرود.

حسام حیدری

طنز نویس



چند وقتی که برگزاری اکران خصوصی برای فیلم‌ها خیلی باب شده... امروز به اکران خصوصی اومدیم تا از حال و هوای این مراسم برای شما گزارش و مصاحبه‌ای رو آماده کنیم. بهله جمع زیادی اینجا حاضر هستند. همه خوش تیپ و با ظاهری آراسته... وای... بهله، عذر خواهی می‌کنم، منظورم این بود که بهتره بعد از اینن از والده درخواست کنیم برای انتخاب همسر آینده برای من به این اکران خصوصی هم سری بزنه. بگذریم، دوستی رو می‌بینم که اونجا ایستاده. اجازه بدید مصاحبه‌ای باهاشون بگیریم.

سلام آقا وقتتون بخیر... می‌تونیم با هم صحبت کنیم؟ سلام، بهله، حتما.. در خدمتون هستیم. پس اگه امکانش هست به من نگاه کنید که بتونیم صحبت کنیم... حواسم به شماسه... بفرمایید. آخه این جوری که نمی‌شه... آهان فهمیدم گردنتون دردمی‌کنه؟ نه گردنم درد نمی‌کنه، ژست امشبم این طوره. استایلیستم طراحی کرده... پاهای به عرض شانه باز... گردن باز... ۳۷ درجه... به دست ول به دست تو جیب... صورت بی‌حس نگاه به افق‌های دور. آهان... خب حالا دو دقیقه با من صحبت کنید، بعدش دوباره همون ژست رو بگیرید. نمی‌شه دیگه در می‌ره، از سه روز پیش داریم با تیم طراحی، اتود می‌زنیم تا بالاخره به این طرح جذاب رسیدیم... ولش کنیم خراب می‌شه. پس من همین جوری کج کج از شما سوال آره مشکلی نیست فقط قریبون دست من گردنم اینور به اون طرف سالن رو نمی‌تونم نگاه کنم، اگه عکاس ها اومدن اون طرف خبرم کن. عکاس ها که خیلی وقته اومدن. دارن اونور عکس می‌گیرن. جدی می‌گی؟ خب نامرد بگو دیگه. نمی‌بینی من مجبورم فقط به افق‌های دور نگاه کنم؟... صبر کنید... وایسید منم پیام.

خب دوستان من عذرخواهی می‌کنم، این دوستمون همون طوری کجکی با عجله رفت که به عکاس ها برسه. البته اشکالی هم نداره عکاسی بخشی از این مراسمه... اجازه بدید من به نفر دیگه رو پیدا کنم. سر کار خانم سلام... اوخ اوخ ببخشید من فکر کنم اشتباهی اومدم تو خونه شما. خونه چیه آقا... من از میهمانان ویژه مراسم هستم. پس فکر کنم با عجله اومدید یادتون رفت که لباس و ایناتون رو عوض کنید. خجالت بکشید آقا اینن آخرین مسدا اکران خصوصی روز دنیاست... البته همین الان بگم که شباهتش به لباس بازیگر خارجی معروف خاصی که چند شب پیش تو مراسم اسکار جایزه گرفت رو تکذیب می‌کنم. چند شب پیش که مراسم اسکار نبود؟ از روی کدوم بازیگر لیاستون رو کپی زدید؟ ای بابا... مثل این که شما خیلی پرتی... همین چند شب پیش پخش شد دیگه... خودم دیدم فیلمشو. آهان اونو می‌گی؟... اون به مراسم دیگه بود... حالا بعد از اون توضیح می‌دم. خب دوستان ببخشید. اینن مصاحبه هم خوب نشد. اجازه بدید به نفر قابل چاپ‌تری رو پیدا کنم... بهله، از اون طرف به دوستی با چند تا از بازیگر دهانشون وارد سالن شدند. احتمالاً یکی از مدیران هستند، اجازه بدید بریم مصاحبه‌ای با ایشون داشته باشیم. از هر نظر بهتره... سلام قربان خسته نباشید. جسارتا شما مدیر کدوم سازمان هستید؟ من مدیر نیستم. پس احتمالاً سرمایه‌گذاران فیلم یا تهیه‌کننده هستید؟ نخیر... البته تو فکرش هستیم، ولی هنوز نه. بازیگر یا از عوامل فیلم هستید؟ نخیر اونم نیستم. پس می‌شه بفرمایید شغل تون چیه؟ من ترکیب می‌زنم. آهان فهمیدم، ترکیب صحنه‌ها رو مشخص می‌کنید. تدوینگر هستی درسته؟